

Holy Jihad and the Culture of Self-Reliance in the Holy Quran

Zahra Barghamadi

Level 3 student, Quranic interpretation and sciences, Al-Zahra Specialized
Seminary, Gorgan
brghmdyzhra70@gmail.com

Fatemeh Naseri

Level 4 student, Family Jurisprudence, Al-Zahra Specialized Seminary,
Gorgan
naserifateme143@gmail.com

Abstract

"This paper explores the profound and reciprocal relationship between 'Holy Jihad' (Sacred Struggle) and the concept of 'self-reliance' within Quranic teachings and the culture of self-confidence, examining its impact on the spirit of Jihad. Jihad is not limited to military combat; it encompasses cultural, scientific, and economic efforts, as well as the struggle against the self (Jihad al-Akbar). Using a descriptive-library research method, this paper illustrates how these efforts lead to the reinforcement of self-confidence, individual independence, and self-sufficiency within society, while encouraging individuals to pursue self-belief and fight for the truth.

The findings indicate that the verses of the Holy Quran call upon believers to acquire capabilities, engage in continuous effort, and avoid dependency, which serves as the foundation for a culture of self-confidence in a faith-based society. Conversely, one of the pharaonic strategies of tyrants is to humiliate individuals through dependency and induce self-abasement, which results in nothing but submissiveness. The culture of self-confidence, by strengthening traits such as resilience, rejection of humiliation, scientific spirit, and security, has a direct effect on individuals' participation in the field of Jihad; in turn, Jihad moderates this relationship

Keywords : Jihad, Holy Quran, Self-reliance, Culture, Self-confidence

الجهاد المقدس وثقافة الاعتماد على الذات في القرآن الكريم

زهرا برغمدي

طالب في المستوى الثالث، تفسير القرآن وعلومه، الحوزة العلمية الزهراء، جرجان

brghmdyhzra70@gmail.com

فاطمة ناصري

طالب في المستوى الرابع، فقه الأسرة، معهد الزهراء التخصصي، جرجان

naserifateme143@gmail.com

المخلص

"تتناول هذه المقالة العلاقة العميقة والمتكاملة بين مفهوم «الجهاد المقدس» ومفهوم «الاعتماد على الذات» في التعاليم القرآنية وثقافة الثقة بالنفس، وأثر ذلك في الروح الجهادية. فالجهاد لا يقتصر على النضال العسكري فحسب، بل يشمل الجهود الثقافية، والعلمية، والاقتصادية، بالإضافة إلى جهاد النفس. تتبع هذه المقالة المنهج الوصفي-المكتبي لتبيان كيف تؤدي هذه الجهود إلى تعزيز الثقة بالنفس، والاستقلال الفردي، والاكتفاء الذاتي في المجتمع، وتحفيز الأفراد على الإيمان بقدراتهم والمناضلة في سبيل الحق.

وتشير النتائج إلى أن الآيات القرآنية الكريمة تدعو المؤمنين إلى اكتساب القدرات، والسعي المستمر، ونبذ التبعية، مما يؤسس لبناء ثقافة الثقة بالنفس في المجتمع الإيماني. ومن ناحية أخرى، فإن إحدى السياسات الفرعونية للطغاة تتمثل في إذلال الأفراد من خلال التبعية وزرع الشعور بانعدام الثقة، مما يؤدي إلى الاستلاب والتبعية. إن ثقافة الثقة بالنفس، عبر تعزيز سمات مثل الصمود، ورفض الذل، والروح العلمية، والأمن النفسي، تؤثر تأثيراً مباشراً في حضور الأفراد في ميدان الجهاد؛ وبالمقابل، يعمل الجهاد على ضبط هذه العلاقة من خلال تمكين المجتمع وهدايته.

الكلمات المفتاحية: الجهاد، القرآن الكريم، الاعتماد على الذات، الثقافة، الثقة بالنفس

جهاد مقدس و فرهنگ اتکاء به خود در قرآن کریم

زهرا برغمندی

طلبه سطح سه، تفسیر و علوم قرآنی، مدرسه علمیه تخصصی الزهراء (ع)، گرگان

brghmdyzhra70@gmail.com

فاطمه ناصری

طلبه سطح چهار، فقه خانواده، مدرسه علمیه تخصصی الزهراء (ع)، گرگان

naserifateme143@gmail.com

چکیده

این مقاله به بررسی رابطه عمیق و دوسویه جهاد مقدس با مفهوم اتکاء به خود در آموزه‌های قرآن و فرهنگ خودباوری و تأثیر آن در روحیه جهادی می‌پردازد. جهاد تنها به معنای نبرد نظامی نیست، بلکه شامل تلاش‌های فرهنگی، علمی، اقتصادی و مبارزه با نفس نیز می‌شود. مقاله حاضر به روش توصیفی - کتابخانه‌ای بیان می‌کند که این تلاش‌ها چگونه منجر به تقویت روحیه خودباوری، استقلال فردی و خودکفایی در جامعه و تشویق افراد به خودباوری و مبارزه در راه حق می‌گردد.

یافته‌ها حاکی از آن است که آیات قرآن کریم، مؤمنان را به کسب توانمندی، تلاش مستمر و عدم وابستگی فرا می‌خواند که این خود، بنیان فرهنگ خودباوری را در جامعه ایمانی بنا می‌نهد؛ از سویی یکی از سیاست‌های فرعون مآبانه جباران، تحقیر افراد با وابستگی و القای خودباختگی در جامعه است که نتیجه‌ای جز سلطه‌پذیری ندارد؛ فرهنگ خودباوری با تقویت ویژگی‌هایی مثل استقامت، عدم پذیرش ذلت، روحیه علمی و امنیت اثری مستقیم در حضور افراد در میدان جهاد دارد و جهاد نیز با قدرتمندتر کردن و هدایت جامعه سبب تعدیل این رابطه می‌شود.

واژگان کلیدی: جهاد، قرآن کریم، اتکاء به خود، فرهنگ، خودباوری

مقدمه

جهاد در قرآن کریم فراتر از یک وظیفه مقطعی و به عنوان یک استراتژی در سبک زندگی است که مستقیماً در شکل‌گیری فرهنگ اتکاء به خود اثر دارد. وقتی از نگاه قرآن به این دو مفهوم می‌نگریم می‌توان جهاد را موتور محرک و اتکاء به خود را محصول این حرکت دانست. جهاد یک اصل بنیادین برای تعالی انسان است که اتکاء به خود نه به معنای استقلال از پروردگار بلکه به معنای بهره‌گیری از حداکثر توانمندی نهادینه شده در وجود انسان به عنوان مکانیزم اصلی هویت، انسانی خودباور و مستقل را بازسازی می‌کند. همچنین چگونگی مبارزه برای حق، زمینه‌ساز رسیدن به استقلال روانی و عملی در برابر عوامل بیرونی می‌شود.

مفهوم‌شناسی جهاد و اتکاء به خود

برای درک درست جهاد می‌توان آن را از منظر لغت، اصطلاح و کاربردهای مختلف تحلیل نمود.

۱. در لغت: واژه جهاد از ریشه عربی «ج ه د» به معنای بذل و کوشش، سختی و مشقت، به کار بستن تمام توان جسمی و روحی برای رسیدن به هدفی دشوار است و هر نوع تلاش سخت را شامل می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۰۸؛ ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ص ۴۸۶)

۲. در اصطلاح: جهاد به معنای استفاده از تمام توان برای ایستادگی در برابر باطل و پایداری بر حق است؛ مبارزه در راه خدا با جان، مال و دارایی‌های دیگر در

نبرد با کافران با هدف گسترش اسلام و برپا داشتن شعائر آن که دو جهت دارد: جهاد با نفس (جهاد اکبر) یعنی همان مبارزه با میل های پست، غرور، تکبر، حسد و هر چیزی است که انسان را از مسیر کمال و حقیقت باز می دارد. و جهاد در برابر باطل؛ (نجفی، ۱۹۸۱م، ص ۱۶۱) کسی که نمی تواند بر خواسته های نفسانی خود غلبه کند هرگز نمی تواند در سطح اجتماعی متکی به خود باشد؛ زیرا در برابر وسوسه ها و فشارهای بیرونی آسیب پذیر است. جهاد ابزاری برای اراده و عزت انسانهاست که با عزت و استقلال درونی، سبب خودباوری اجتماعی و سیاسی می شود. (امام غزالی، ۱۳۹۹، باب مجاهده).

(جهاد اصغر) یعنی تلاش برای مقابله با ظلم، نفوذ ایده های فاسد و مبارزه نظامی برای دفاع از حق. جهاد علاوه بر این دو مفهوم، در معنای جهاد نفس (لایه درونی)؛ اصلاح شخصیت و اخلاق و جهاد زبان و کلام (لایه فکری / رسانه ای) که به معنای بیان حق، نقد ظلم، آموزش و نشر آگاهی است به کار رفته است. جهاد یعنی همراه بودن امری با سختی و استفاده از تمام توان در جهت تحقق مطلوب.

الف) نقش جهاد در فرهنگ اتکاء به خود از منظر قرآن کریم

در قرآن جهاد مقدس مفهومی چند وجهی دارد. یکی از مهم ترین ابعاد آن، تقویت و پرورش روحیه اتکاء به خود در فرد و جامعه است.



۱. جهاد و اتکاء به توانایی‌ها

يك اصل حیاتی که در هر عصری باید مورد توجه مسلمانان باشد لزوم آمادگی رزمی کافی در برابر دشمنان است.

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ...» (انفال: ۶۰) در برابر دشمنان هر قدر توانایی دارید از نیرو و قدرت آماده سازید «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»؛ در انتظار نمانید تا دشمن به شما حمله کند و آن گاه آماده مقابله شوید، بلکه از پیش باید به حد کافی آمادگی در برابر هجوم‌های احتمالی دشمن داشته باشید. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۷، ص ۲۳۰، طبرسی، ۱۳۳۸ ش، ج ۱۰، ص ۲۵۱)

این آیه خطاب به همه مومنین است، زیرا حکومت اسلامی حکومتی است انسانی، به این معنا که حقوق همه افراد انسانها را رعایت نموده و به خواسته‌های آنان احترام می‌گذارد، و لو هر که می‌خواهد باشد، نه اینکه خواسته‌های افراد را فدای خواسته يك نفرو یا خواسته اکثریت کرده باشد و چون چنین است دشمن منافع يك جامعه اسلامی دشمن منافع تمامی افراد است، و بر همه افراد است که این قوا و امکانات دفاعی را تدارك ببینید تا به وسیله آن دشمن خدا و خود را ترسانیده و از آنان زهر چشم گرفته و خطرا دفع کنید. (طباطبایی، ۱۳۷۵، ج ۹، ص ۱۵۲-۱۵۳)

این آیه، فرمان صریح قرآن به کسب آمادگی و توانمندی است. «قوه» در اینجا به هر نوع توانایی، اعم از نظامی، اقتصادی، علمی و فرهنگی اطلاق می‌شود.

تأکید بر «ما استطعتم» (آنچه در توان دارید) نشان دهنده لزوم بهره‌گیری از حداکثر توانایی‌های درونی و تلاش برای رسیدن به خودکفایی است. این آمادگی، خود نمادی از اتکاء به خویش و عدم وابستگی به قدرت‌های خارجی است.

۲. تحول درونی؛ نقطه‌ی آغاز دگرگونی سرنوشت

تغییر در زندگی انسان و جامعه از درون آغاز می‌شود؛ قانونی الهی هست که اگر مردم اراده و باورهای خود را دگرگون نکنند، شرایط بیرونی آنان نیز متحول نخواهد شد.

از نظر شهید صدر شرایط اجتماعی هر قومی روبنای آن قوم است و هر تغییر بنیادینی از تحول در «ما بأنفسهم» سرچشمه می‌گیرد و تغییر در توده‌ی ملت است که سبب می‌شود محتوای باطنی جامعه به عنوان یک فرهنگ و تمدن عظیم زیورور شود. (شهید صدر، ۱۳۹۹، ص ۱۵۳)

«لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِّن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِّنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِّنْ دُونِهِ مِّنْ وَالٍ.» (رعد: آیه ۱۱)

خداوند نعمت‌هایی را که به انسان می‌دهد مربوط به حالات نفسانی خود اوست، اگر آن حالات موافق با فطرتش بود آن نعمت‌ها هم جریان دارند، هر وقت که ایشان حال خود را تغییر دادند خداوند هم وضع رفتار خود را عوض کند و نعمت را به نعمت مبدل سازد. (طباطبایی، ۱۳۷۵، ج ۱۱، ص ۴۳۲، طبرسی،

۱۳۳۸، ج ۱۳، ص ۲۸)

این اصل قرآنی یکی از مهم‌ترین برنامه‌های اجتماعی اسلام را بیان می‌کند که هرگونه تغییرات بیرونی متکی به تغییرات درونی ملت‌هاست، و هرگونه پیروزی و شکستی که به قومی رسید از همین جا سرچشمه می‌گیرد، بنابراین آنها که همیشه برای تبرئه خویش به دنبال «عوامل بیرونی» می‌گردند، و قدرتهای سلطه‌گرو استعمارکننده را همواره عامل بدبختی خود می‌شمارند، سخت در اشتباهند، چرا که اگر این قدرتهای جهنمی پایگاهی در درون يك جامعه نداشته باشند، کاری از آنان ساخته نیست.

براساس این اصل برای پایان دادن به ناکامی‌ها باید دست به انقلابی از درون بزنیم، يك انقلاب فکری و فرهنگی، يك انقلاب ایمانی و اخلاقی، و به هنگام گرفتاری در چنگال بدبختی‌ها باید فوراً به جستجوی نقطه‌های ضعف خویشتن پردازیم، و آنها را با توبه و بازگشت به سوی حق از دامان روح و جان بشوئیم، تولدی تازه پیدا کنیم و نور و حرکتی جدید، تا در پرتوی آن شکست‌ها را به پیروزی مبدل سازیم.

اگر بخواهیم از اصل فوق که از سرچشمه وحی به ما رسیده الهام بگیریم باید هم آن پیروزی و هم آن شکست و ناکامی را در تغییرات فکری و عقیدتی و اخلاقی و برنامه‌های عملی مسلمانان جستجو کنیم و نه غیر آن، در انقلاب‌های معاصر از جمله انقلاب ملت ما (مسلمانان ایران) انقلاب الجزائر، انقلاب افغانستان، و مانند آن به وضوح حاکمیت این اصل قرآنی را مشاهده می‌کنیم.

یعنی بی اینکه دولت‌های استعماری روش خود را تغییر دهند، هنگامی که از درون دگرگون شدیم همه چیز تغییر کرد. تنها رهبرانی موفق شدند که ملت خود را بر اساس این اصل رهبری کردند. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۱۰، ص ۱۴۷-۱۴۵)

بنابراین، اتکاء به اراده، تلاش و تغییر درونی، شرط تحقق مشیت الهی برای پیشرفت و تعالی و پیروزی است.

۳. جهاد کلید هدایت

مجاهدت درونی و بیرونی، همواره با همراهی و راهنمایی الهی همراه است؛ کسانی که با اخلاص در مسیر حق سختی را بپذیرند، از سوی خدا به راه‌های روشن هدایت سپرده می‌شوند.

«وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ.» (عنکبوت: آیه ۶۹)

تعبیر به «جهاد» در این آیه تعبیر وسیع و مطلق است و هم تعبیر «فینا»، بنابراین هر جهادی که در راه خدا، برای او و به منظور وصول به اهداف الهی باشد؛ خواه در طریق کسب معرفت یا جهاد با نفس، یا مبارزه با دشمن یا صبر بر طاعت، یا شکیبایی در برابر وسوسه معصیت و... را در بر می‌گیرد.

کسانی که در این راه به هر شکلی برای خدا مجاهده کنند مشمول حمایت و هدایت الهی هستند. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۱۶، ص ۳۴۹؛ طباطبایی، ۱۳۷۵، ج ۱۶، ص ۲۲۸) خودباوری و در مسیر حق بودن نیازمند این هدایت

است که علاوه بر تقویت من درونی، راه را روشن کرده و تلاش او را در مسیر به نتیجه می‌رساند.

در یک نگاه کلی از دید مفسران خداوند قوانین را برپایه علت و معلول بنا کرده و برای هر تغییری فرد باید از ظرفیت‌های خود استفاده کند که همان اتکاء به خود در مسیر حق است.

ب) نقش فرهنگ خودباوری در روحیه جهادی

برای اینکه جهاد بتواند به خودباوری بینجامد، باید از حالت انتزاعی خارج و به رفتارهای عملی زیر تبدیل شود.

۱. اراده و استقامت

مستکبران برای تحکیم پایه‌های حکومت خود جامعه را به سوی استضعاف فکری و فرهنگی می‌کشاند تا به حیات حیوانی خود ادامه دهند. قرآن بارها به این نکته اشاره دارد که سعی ایشان در تحقیر و از بین بردن اراده و استقامت جامعه هست. (لطفی، ۱۳۸۳، نشریه نامه، شماره ۱) خداوند در قرآن می‌فرماید: «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاَطَاعُوهُ اِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ؛ پس قوم خود را سبک مغز شمرد و آنان را تحقیر کرد) و اطاعتش کردند چرا که آن‌ها مردمی منحرف بودند». (زخرف: ۵۴)

استقامت، حالتی روحی است که در مسیر کمال و پیشرفت نیازمند آن هستیم و یکی از ویژگی‌های رستگاران در قرآن استقامت است. استقامت در

ایمان و عقیده، استقامت در جهاد، عبادت و... (صدر، ۱۳۹۳، ص ۱۳۸).

۲. کاهش وابستگی و عدم پذیرش ذلت و خواری

ساختار اصلی جهاد آن است که عزت برای خدا، رسول و مؤمنان است. «وَاللَّهُ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ؛ عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است؛ ولی منافقان نمی دانند!» (منافقون: ۸)

علامه در تفسیر می فرماید که منافقین نمی دانند که عزت تنها خاص خدا و رسولش و مؤمنین است در نتیجه برای غیر نامبردگان چیزی جز ذلت نمی ماند و به منافقین بدون عزت نادانی را بار کرد؛ پس منافقین جز ذلت و جهل چیزی ندارند. (طباطبایی، ۱۳۷۵، ج ۱۹، ص ۴۷۵)

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَ أَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ؛ و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت کنندگان است! (انفال؛ ۴۶)

بنابراین آیه در جهاد از اتحاد جبهه داخلی مراقبت کنید و از تنازع پرهیزید که در صورت درگیری و نزاع داخلی چیزی جز خواری و ذلت، برای شما نیست. در سوره ممتحنه آیه اول آمده «أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَ أَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ...؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید! شما نسبت به



آنان اظهار محبت می‌کنید، در حالی که آنها به آنچه از حق برای شما آمده کافر شده‌اند و رسول الله و شما را به خاطر ایمان به خداوندی که پروردگار همه شماست از شهر و دیارتان بیرون می‌رانند؛ اگر شما برای جهاد در راه من و جلب خشنودیم هجرت کرده‌اید؛ (پیوند دوستی با آنان برقرار نسازید!) شما مخفیانه با آنها رابطه دوستی برقرار می‌کنید در حالی که من به آنچه پنهان یا آشکار می‌سازید از همه داناترم! (ممتحنه: ۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ...؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد، (به خدا زبانی نمی‌رساند؛ خداوند جمعیتی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند؛ آنها در راه خدا جهاد می‌کنند، و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند... (توبه: ۱۶)

بنابراین، مؤمنان نفوذناپذیر و نیرومند هستند و به کفار در میدان‌های مختلف اجازه نفوذ و تسلط نمی‌دهند؛ به عبارتی هر چیزی را که باعث ذلت مسلمانان شود را از جامعه دفع می‌نمایند و جهاد هم برای حفظ عزت و شرافت مؤمنان است که همراه با خود روحیه اتکاء و عدم وابستگی را به همراه دارد.



۳. دانش و بومی سازی (جهاد علمی)

اینکه بتوانیم از یک مصرف کننده ی دانش تبدیل به تولیدکننده دانش شویم نیازمند روحیه اتکای به خود هستیم؛ مثلاً در جنگ رمضان و تولید موشک و پهبادها موفق عمل کرده ایم. این امر نمایانگر آن است که روحیه خودباوری در ما منجر به جهاد علمی شده و توانسته ایم بار دیگر میدان جهاد علمی را با این روحیه توانمند سازیم.

جایگاه برنامه موشکی ایران در معادلات امنیتی منطقه ی غرب آسیا نظریه موازنه قدرت و نواقع گرایی را مطرح می کند که تجربه ی جنگ ایران و عراق، تحریم ها و تهدیدات منطقه ای، اتکاء به نیروی بومی و خودباوری عوامل زمینه ساز اتخاذ راهبرد موشکی ایران شده اند. (عزیزی بساطی، ۱۴۰۰، ص ۱۶۵).

۴. امنیت و استقلال

امنیت یکی از اهداف وجودی حکومت و نظام سیاسی در تمدن اسلامی است؛ و این ثبات سبب خودباوری و قدرت در کشور می شود.

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً... آیا گمان کردید که (به حال خود) رها می شوید در حالی که هنوز کسانی که از شما جهاد کردند، و غیر از خدا و رسولش و مؤمنان را محرم اسرار خویش انتخاب ننمودند، (از دیگران) مشخص نشده اند؟! (باید آزمون شوید؛ و صفوف از هم جدا گردد؛)! (توبه: ۱۶)

این آیه علاوه بر تشویق به جهاد معتقد است که ادعای ایمان به تنهایی کافی

نیست و افرادی که در صدر اسلام با بیگانگان ارتباط داشتند و یا به عبارتی نفوذی بودند (ولیجه) را از سایر مؤمنان جدا کرده و بر ضرورت استقلال و به تبع بر امنیت جامعه اسلامی در همه عرصه‌ها اشاره می‌کند.

ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها وظیفه آحاد ملت با تمام وجود است و و این امنیت که آماج تهدید جدی دشمنان قرار گرفته بود را جمهوری اسلامی ضمانت کرد و معجزه‌ی پیروزی در جنگ هشت ساله و شکست رژیم بعثی و پشتیبانان آمریکایی و اروپایی و شرقی‌اش را پدید آورد. (رهبر شهید سید علی خامنه‌ای، بیانیه گام دوم)

جهادی که قدرت و امنیت به دنبال دارد، سبب آن است که نقاط آسیب پذیر در جامعه را کاهش داده و تلاش برای یافتن جایگزین‌های داخلی و مواد اولیه بیشتر را فراهم نماید؛ یعنی صرف انرژی و منابع برای ایجاد زیرساخت‌هایی که در زمان جنگ تحریم یا قطع نشوند.

۵. تکافل اجتماعی

جهاد با اموال و جان‌ها سبب همیاری در اجتماع می‌شود و این یاری رساندن تقویت روحیه خودباوری را در پی دارد که با اتکاء بر آنچه در دست داریم شروع به درمان نابسامانی‌های اجتماعی کنیم. چنانچه در قرآن آمده که «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آوَوْا وَ نَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ... کسانی که ایمان آوردند و هجرت نمودند و با اموال و

جانهای خود در راه خدا جهاد کردند، و آنها که پناه دادند و یاری نمودند، آنها یاران یکدیگرند. (انفال: ۷۲)

نتیجه گیری

در قرآن، جهاد مقدس تنها به معنای نبرد نظامی نیست، بلکه به عنوان تلاشی عمیق برای ساختن انسان خودباور و جامعه‌ای مستقل معرفی می‌شود. قرآن مؤمنان را به «جهاد با مال و جان» دعوت می‌کند تا روح اتکاء به خدا و تکیه بر توان خویش در آنان تقویت شود. جهاد حقیقی، مبارزه‌ای مستمر با وابستگی، سستی و تسلیم‌پذیری است و انسان را به سوی تلاش خلاقانه و تولیدکننده هدایت می‌کند. این مفهوم، خودکفایی علمی، اقتصادی و اخلاقی را به عنوان بخشی از ایمان معرفی می‌کند. آیات قرآن بارها یادآور می‌شوند که پیروزی از آن کسانی است که از امکانات خود بهره ببرند و در راه حق ایستادگی کنند. خودباوری در جهاد مقدس نیز با روحیه استقامت، دانش، عزت، عدالت تقویت می‌شود و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، اتحاد و استقلال پایدار را شکل می‌دهد. در نتیجه، فرهنگ اتکاء به خود در قرآن با جهاد و رابطه خودباوری در تقویت روحیه جهادی پیوندی بنیادین دارد و زمینه‌ساز رشد، پیشرفت و عزت جامعه ایمانی می‌شود.



منابع و مآخذ

۱. ابن فارس، احمد، (۱۳۹۹ق)، معجم مقاییس اللغة، بیروت: دارالفکر.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۸ق)، لسان العرب، لبنان - بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۳. امام محمدغزالی طوسی، ابوحامد، (۱۳۹۲)، احیاء علوم الدین باب مجاهده، مترجم: محمد خوارزمی، علمی فرهنگی.
۴. راغب اصفهانی حسین بن محمد، (۱۴۱۶)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: الدارالشامیه.
۵. خامنه ای، سید علی، (۱۳۹۷)، بیانیہ گام دوم، ۲۲ بهمن.
۶. صدر، سیدرضا؛ خسروشاهی سیدباقر، (۱۳۹۳)، استقامت، چ چهارم، بوستان کتاب.
۷. صدر، سید محمدباقر، (۱۳۹۹) مترجم: سید جلال میرآقایی، سنت های تاریخی در قرآن کریم، قم: انتشارات دارالصدر.
۸. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۵)، ترجمه تفسیرالمیزان، مترجم: محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۹، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۳۸ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: مکتبه العلمیه.
۱۰. عزیزی بساطی، مجتبی، (۱۴۰۰)، توانمندی موشکی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۱۱. کریمی سادات محله، مهران، کشفی سید علی، (۱۳۷۹)، کتاب عدالت، انتشارات انقلاب اسلامی، سخنرانی آیت الله سید علی خامنه ای (۱۳۷۹/۲/۱۴).
۱۲. لطفی، محمود، (۱۳۸۳)، فرهنگ و اجتماعی خودباختگی و خودباوری در قرآن کریم، نامه جامعه، شماره ۱.
۱۳. مجلسی، محمد بن باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، ج ۴۴، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۵۳)، تفسیر نمونه ج ۱۰ و ۱۶، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. نجفی، محمد حسن بن باقر، (۱۹۸۱م)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱، بیروت: جامعه مدرسین قم.

